



نگاهی به برنامه بگو بخدم شبکه نسیم

# بین و بخند

رامین زارعی

نویسنده و طنزپرداز



به مناسبت آغاز فصل دوم برنامه «بگو بخدم» که با ویژه برنامه‌ای در شب یلدا آغاز شد، نگاهی به این برنامه جذاب انداختیم. بگو بخدم برنامه‌ای ویژه در قالب مسابقه و استعدادیابی است که از اوایل سال جاری با ویژه برنامه نوروزی و با حضور هنرمندانی از جمله بهنام تشکر، یوسف صیادی، رضا شفیعی جم، امید جهان، جواد انصافی و... روی آنتن تلوزیون رفت. عصر جدیدی که بحث تخصصی آن طنز بود. فصل اول مسابقه استعدادیابی بگو بخدم به تهیه‌کنندگی مسعود شریعت‌نیا، کارگردانی شهاب عباسی، اجرای عبدالله روا و داوری بیژن بنفشه‌خواه، نعیمه نظام‌دوست، هومن برق‌نورد و شهرام شککیا به روی آنتن رفت. این برنامه استعدادیابی در عرصه موسیقی، تئاتر، استعداد و شعر با حضور افراد شرکت‌کننده از شبکه نسیم پخش شد. نقطه قوت بزرگ این برنامه این بود که به صورت تخصصی به همه قسمت‌های طنز پرداخته است و محلی برای کشف و بروز استعدادهایی در زمینه طنز است. پیش از این در برنامه‌هایی مثل قندپهلو فقط به شعر طنز پرداخته شده بود و یا در خندوانه چندین سری مسابقه برای معرفی بهترین استعداد کمدین‌ها برگزار شده بود. بنابراین حسن بزرگ این برنامه اهمیت ویژه آن به اغلب شاخه‌های طنز است. البته بزرگ‌ترین حسن این برنامه می‌تواند باعث بروز یک نقطه منفی در آن نیز بشود؛ چرا که نمی‌توان همه رشته‌ها را با هم سنجید و مقایسه کرد. برای مثال مقایسه یک شعر طنز با یک استعداد کمدی شاید کار بسیار سخت و حتی نامربوطی باشد. داورها هم ممکن است تخصصی در بعضی زمینه‌ها نداشته باشند و همین باعث اجحاف در حق بعضی شاخه‌ها شود. مثلاً در همین فصل اول سه داور از چهار داور مسابقه بازیگر بودند و فقط یک داور در حوزه شعر و ادبیات تخصص داشت و همین هم باعث دیده شدن بیشتر کارهای نمایشی شد. در بگو بخدم شاهد رقابت جذابی بین شعر، استعداد کمدی، تئاتر، کارهای نمایشی بامزه و سایر هنرهای طنزها هستیم. اجرای عبدالله روا نیز مثل همیشه خوب است و با ورودش به بحث داوری یا اجرای شرکت‌کنندگان در مواردی باعث پیش‌برد برنامه می‌شود. در این برنامه تماشاچیان نیز حضور دارند، هر چند از حضور آن‌ها در برنامه بیش از این می‌شود استفاده کرد. فصل دوم بگو بخدم به تهیه‌کنندگی سید احسان حسینی و با داوری نعیمه نظام‌دوست، علیرضا خمسه، شهرام شککیا و شهاب عباسی از شبکه نسیم پخش خواهد شد. ویژه‌برنامه پلدایی آن نیز با حضور مهمانان بسیاری از جمله علیرضا خمسه، پژمان بازغی، رضا شفیعی جم، شهرام شککیا و تعدادی از خوانندگان به روی آنتن رفت. همچنین دوستانی از فصل اول بگو بخدم نیز به‌عنوان اجراکننده و مهمان در این ویژه‌برنامه حضور داشتند. در این ویژه‌برنامه توضیحاتی هم پیرامون شرایط مسابقه داده شد. امیدواریم دیدن این برنامه شب‌های سرد زمستان را برای شما گرم کند.



حاشیه‌نگاری رونمایی از  
سه کتاب تازه امید مهدی‌نژاد

# الادختر

زهرا فرقانی

نویسنده و طنزپرداز



- «زهرا فرقانی معروف شمایی؟»

اینکه یک استاد مبرز که از فحول شعرا و سرآمد طنزسرایان و پیشگام شکستن نظامات متداول و ایجاد قالب جدید در طنز است در پایان جلسه رونمایی کتاب‌هایش تو را با این سوال ساده غافلگیر کند آنقدری افتخارآمیز است که باعث شود دست و پایت را گم کنی و تواضع بیجا به خرج دهی و بگویی شاید با شخص دیگری اشتباه گرفته‌اید (چرا واقعا؟). اصلاً چه بسا باعث شود موقع نوشتن حاشیه این جلسه در وصف آن استاد احیانا از هر عبارت باشکوهی که در بستوی ذهن اندوخته‌ای استفاده کنی و به روی خودت هم نیاوری که این کتاب‌ها لاقل یک بار دیگر در حاشیه مراسمی در حوزه هنری رونمایی شده بود و حتی بگذری از این که یکی از کتاب‌ها را یک سالی هست که در کتابخانه شخصی‌ات داری. البته انصافاً هم بدون این رودربایستی ناخواسته، مراسم این بار با دعوت اساتید فن و حضور دوربین خبرگزاری‌ها و خصوصاً پذیرایی انتهایی خیلی شبیه‌تر بود به رونمایی و بیشتر درخور این آثار فاخر و شئونات شاعر و آن اساتید حاضر بود. الغرض این هفته در طبقه فوقانی فروشگاه مرکزی «شهرکتاب» مراسم رونمایی از سه کتاب شعر طنز «بوالعجب»، «الادختر» و «خاک عالم» که علیرغم نامشان، همچنان که عرض شد بسیار فاخر و این‌هاست به خیر و خوشی برگزار شد. این خیر و خوشی با حضور و سخنرانی اساتیدی چون اسماعیل امینی، هادی مقدم‌دوست، جلال سمیعی و مرتضی کاردرو با اجرای رضا ساکی و صدالبته با حضور خود میزبان یعنی جناب امید مهدی‌نژاد به

کمال رسید. اساتید بالاتفاق اشارات مشابهی داشتند به توانایی طنزپردازی ذاتی میزبان و دلایل قانع‌کننده‌ای آوردند برای اقتناع حاضرین جهت اقبال آثار ایشان. اشاره اساتید به جز محتوای آثار به عناوین طنزانه اشعار بود و همچنین باورقی‌های رندانه شعرها که خود باب جدیدی در تلفیق نثر و شعر است. این بین بحث مبسوطی هم در چپستی طنز گل‌آقایی و قوت و ضعف آن شکل گرفت که خودش یک دوره فشرده آموزش طنز مطبوعاتی بود. چند دوییتی از کتاب الادختر هم خوانده شد که یکی را تیمنا اینجا می‌آوریم:

الادختر که چشمنت درشته

ز هجرونت مرا باری به پشته

ریاضت کش خرید باغ بادوم

مرا کیفیت چشم تو کشته

در نهایت اما خواندن چند غزل توسط خود شاعر بود که ما را فریفته خرید این آثار و اخذ امضا در انتهای مراسم کرد و آنجا بود که با آن سوال به خصوص مواجه شدیم که فلان تویی؟ و دیدیم که بله خوب است حاشیه‌ای در وصف حضور خودمان در این مراسم بنویسیم و بدان وسیله مراتب اعتراض خویش را به این مهم بیان کنیم که با این همه شهرت و معروفیت چرا از حضور جنابمان دعوت ویژه برای سخنرانی به عمل نیامده بود و یا لاقل برایمان تخفیفی در تهیه کتاب‌ها لحاظ نشده بود یا... که شکر خدا خیلی زود دانستیم جنبه معروف شدن نداریم. خودمانیم همان بهتر که اشتباه گرفته بودند.

